

ماجرای اخیر الناز شاکردوست و دستکاری دوباره در شبکه‌های اجتماعی

# سایبری‌ها مشغول کارند



خبرنگار

چطور ممکن است شهروندی در قامت کاربر فضای مجازی، آن هم میان هموطنان خود احساس غریبگی کند و نتواند آنطور که می‌خواهد حرف دلش را به زبان بیورد و پیامش را به گوش دیگری برساند؟ این تنها بودن زمانی نمود بیشتری پیدا می‌کند که یک بازیگر معروف سینما نظرش

## به عصر برجسته‌سازی خوش آمدید

رسانه‌های ارتباط جمعی می‌توانند بر ادراک و تفکر مخاطبانشان اثر بگذارند و حتی در راستای این اثرگذاری بر ادراک مسوؤه تا جایی کار را پیش ببرند که ذهنیت تازه‌ای را روی مغز و تفکر مخاطب استوار سازند. مارشال مک‌لوهان یکی از مهم‌ترین آثار رسانه‌ها را این می‌داند که گردانندگان آنها می‌توانند بر عادات، افکار و همین‌طور ادراک افراد تأثیر بگذارند و عادت‌واره‌های جدیدی را به وجود بیاورند.
درواقع رسانه می‌تواند با چینش اخبار، موضوعی که خود می‌خواهد بدان توجه بیشتری شود را بزرگیند و مردم را نیز به پیروی از پیامش

## رسانه و خدمت آن به نظم سرمایه‌سالار

هنگامی که ریزش اطلاعات به واسطه رسانه‌ها افزایش می‌یابد، آن بخش از جامعه که در مقام و جایگاه بالاتر اقتصادی قرار دارد بیشتر از دیگران که در مرتبه پایین‌تری از این حیث جای می‌گیرند و از اطلاعات و اخبار ناخبر می‌شوند؛ به‌گونه‌ای که شکاف عمیقی میان آگاهی دو طیف وسیع از مردم به وجود می‌آید و افراد کم‌برخوردارتر عملاً جایگاه خاصی در میان مخاطبان اخبار و رسانه، جز شعاردارنده پیدا نمی‌کنند. این اتفاق را می‌توان از آثار نابرابری اجتماعی و اقتصادی میان افراد و طبقات مختلف برشمرد و اینگونه عنوانش کرد که هرقدر وضع اقتصادی فرد در مواجهه با اطلاعاتی که به سمت وی روانه می‌شود بهتر باشد، برخورداری‌شان از محتوای ارائه‌شده بیشتر خواهد بود و او را نسبت به تغییر شرایط اقتصادی، سیاسی و اجتماعی پیرامونش آگاه می‌کند و در حاشیه امنی که انتظارش را دارد قرار می‌دهد. اما مردمی

## کنترل قدرت افکار عمومی توسط ایلان ماسک

به دست شخصی تروتمند می‌تواند چه عواقبی در پی داشته باشد؟ جمیل جفر، مدیر اجرایی موسسه متمم اول نایت در دانشگاه کلمبیا دست داشتن تنها یک شخصی حقیقی در کار مدیریت توئیتر را تهدید می‌بری دوموکاری قلمداد می‌کند و اسپردن عنان کار به یک فرد تروتمند را بر نمی‌تابد؛ درواقع این سطح از کنترل بر یک شبکه اجتماعی حتی برای کسانی که به‌ظاهر مخالفتی با دنیای آزاد نداشتند و حتی در جهت ترویج آن نیز می‌کوشند هم پذیرفته نمی‌شود و پیوسته نسبت به پیام‌های منفی آن هشدار می‌دهند. اما لانسو، مدیر پروژه free expression در مرکز دموکراسی و فناوری آمریکا گفته که: «الگوریتم‌های توئیتر پیش از آنکه ایلان ماسک آن را خریداری کند به شنیدن شدن صدای بیان و کمک کرده بودند و شاید او به خاطر همین مساله برای بلندتر کردن صدای خودش دست به خرید توئیتر زده است. اما اثر این معامله قادر خواهد بود تا به شکلی کلی‌تر حتی معین‌کننده بیان چه حرف‌هایی در این سرویس مجاز خواهد بود و چه حرف‌هایی را نمی‌توان در این رسانه بیان کرد و اساساً چه کسی تصمیم خواهد گرفت که حرف‌ها و همچنین رویکرد‌های

دسته‌گذاره‌اند مجازی به بخش کامنت‌ها ترمز خود را کشید و با پاک کردن این پست از مواضعش کوتاه آمد؛ بحث بر سر احقاق حقوق سلبریتی‌ها و افراد معروف در فضای مجازی نیست، آنها در این دوره و زمانه آنقدر وکیل مدافع و ولی و قیم و دلسوز دارند که غصه‌شان را با بخورند و به وقت لزوم در حد لایک و کامنت از ایشان دفاع کنند؛ اما وقتی مرزبندی‌ها مشخص است و هر گروه سعی می‌کند واقعیت خود را در این دوران به واسطه رسانه تأسیس کند، نباید ما عقب‌بنشینیم و تنها نظاره‌گر انجام امری به دست غرب



جهان پیرامون‌شان می‌نشینند که برای غریب‌شان تدارک دیده و بخش دیگر واقعیت تقریباً به دلیل آنکه با دنیای تأسیس شده توسط غربی‌ها در تعارض است از اساس به‌عنوان یک عنصر مزاحم تلقی می‌شود و هر اقدامی برای منکوب کردن آن بدون هیچ ترس و واهمه‌ای توجیه‌پذیر جلوه می‌کند. در نظر مدافعین رژیم صهیونیستی که روح خود را به شیطان فروخته‌اند، جبهه مقاومت در برابر غرب باید از صحنه حذف شود چون با اعمال زور می‌خواهد طرف دیگر ماجرا را که از قرار معلوم صلح‌طلب نیز هست از صحنه خارج کند، اما حمله نظامی



زندگی ایرانیان با افزایش چشمگیری مواجه شده است و میزان عضویت در شبکه‌های اجتماعی از ۵۳ درصد در سال ۱۳۹۶ به ۶۵ درصد در سال ۱۳۹۹ رسیده و متوسط حضور روزانه در شبکه‌های اجتماعی نیز از حدود ۳۰ دقیقه در سال ۱۳۹۶ به یک ساعت و ۲۲ دقیقه در روز افزایش یافته است و این مهم باعث شده تا اینستاگرام و دیگر پلتفرم‌ها در مقام یک مرجع فکری در نزد مخاطبان شناسانده شوند. از دلایل وابستگی شدید مردم به فضای مجازی می‌توان به کاهش امنیت شغلی در فضای واقعی و همینطور سرگرم شدن افراد در امکانی که این رسانه‌ها پرایشان به وجود می‌آورند اشاره داشت. اقتصاد بد می‌تواند افراد را از جلد اصلی‌شان خارج کند و در مرتبه‌ای قرار دهد که هم دور از شأن آنهاست و هم باعث خطای شناختی نسبت به پدیده‌ها و هم عدم توانایی تشخیص سره از ناسره می‌شود. گردانندگان صنفحات پربازدید



مردم مورد قبول قرار بگیرند؟« تلاش‌های دولت‌های غیرمردمی منطقه‌برای حضور در فضای مجازی در قامت سهامدار نیز طبیعتاً نمی‌تواند در راستای احترام به ارزش‌های انسانی و حقوق طبیعی افراد در برخورداری از موابه رسانه‌هایی نظیر توئیتر قرار بگیرد و این نگرانی وجود دارد که حضور این افراد در قامت کسانی که برای زد و بدل شدن پیام‌ها و توئیت‌ها تصمیم می‌گیرند از اساس برای پوشاندن برخی مسائل و بزرگ کردن دیگر رویدادها یا به این میدان گذاشته‌اند. ولید بن طلال، شاهزاده سعودی با پرداخت ۱.۹ میلیارد

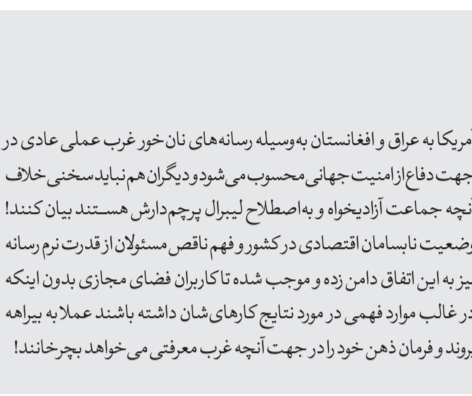


دلار بزرگ‌ترین شریک ایلان ماسک در راه اداره توئیتر است و اهداف خود دولتش را در این مسیر دنبال می‌کند؛ اهدافی که طبیعتاً نمی‌تواند نسبتی با آزادی بیان و گردش آزادانه اطلاعات داشته باشد. دولت‌هایی نظیر عربستان سعودی با پول‌شاشی و حضور بی‌وقفه در اقتصاد پلتفرم‌هایی نظیر توئیتر مخالفان‌شان را از صحنه به در کرده و در نهایت حساب‌شان را می‌رسند. پس از ماجرای قتل جمال خاشقچی به دست بن‌سلمان، مستندسازی به نام بریان فوگل تصمیم گرفت تلاش‌های دولت سعودی در سرکوب کردن آزادی

لبخندش حاکی از صبوریه، هرچند عصبی‌ام می‌کنه این لبخند اما تحسینش می‌کنم که آرزومه و قرار نیست برام قاطی کنه!
«یکی از اهدافگذاری‌های ما بر اساس صحبت‌های مدیرعامل سازمان، حمایت از برزنامه‌های جوانی جمعیت و فرزندآوری و تو این حوزه موضعی فعالی داریم و چه‌فشری بهتر و فهمیه ترا ز قشر کتاب‌خوان و عاشق کتاب؟! من تأمین اجتماعی اگه بتونم این قشر رو قانع کنم و حرفی براش داشته باشم، اونوقت با کمک این قشر کارم تو جامعه خیلی راحت‌تره و حرفم بیشتر برو داره. « تو دلم بهش حق می‌دهم و اجازه میدم ادامه بده اما نباید فکر کنم من قانع شدم! « ما تو نمایشگاه کتاب علاوه بر اینکه به دانشجویان و دختران جوان و زنان خانه‌دار، خدمات بیمه‌ای با تخفیف خوب ارائه می‌دم، سعی داریم تا نشست‌هایی رو با محوریت جوانی جمعیت و فرزندآوری هم برگزار کنیم. جالبه بدونین که استقبال از این نشست‌ها حتی فراتر از انتظار ما بود!»
این بار باتن صدایی آرام‌تر حرفش رو قطع می‌کنم و می‌پرسم میشه یکم درباره این نشست‌ها توضیح بدین، بازم با همون لبخند استقبال می‌کنه و ادامه می‌ده «ما تو روزای اول نمایشگاه هفت نشست با این مضمون برگزار کردیم و تو قالب این نشست‌ها کارشناسان مختلفی به بررسی موضوعات اجتماعی پرداختن.» خیلی عادت به بریدن وسط حرف ندارم اما باید بدونه که برای مصاحبه گرفتن و گزارش عملکرد نیمودم پس دوباره می‌پرسم «دقیقا کدوم کارشناسا و اساتید میهمان نشست‌های شما بودن؟»

بازم همون لبخند و ادامه توضیحاتش «مثلاً خانم دکتر طیبه رضضانی عضوی از تشکر مدار مادران انقلابی تو یکی از این نشست‌ها تاکید کردن که «یکی از

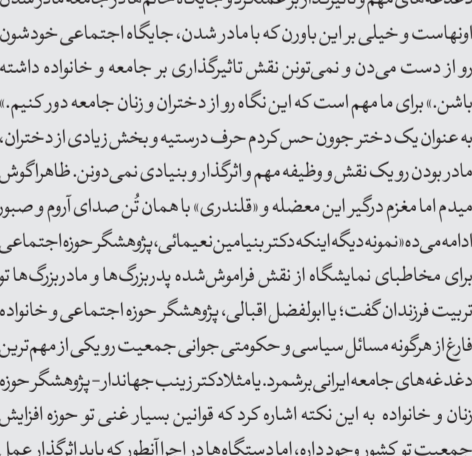
فرهنگی و امپریالیسم باشیم، اینکه یک شخص حقیقی صرفاً به دلیل ابزاز نظر به حاشیه رانده شود و هزاران کامنت مملو از توهین و ناسزابه سمت روان وی هجوم ببرد نه تنها انسانی و اخلاقی نیست، بلکه از بخشی از مردم ما پیاده نظامی برای غرب معرفی درست می‌کند. حال برای بیرون آمدن از این وضعیت چه باید کرد؟ آیا باید شهروندان را به حال خویش رها کرد یا به فکر بود تا در این زمینه اقدام عاجلی صورت بگیرد؟ تکلیف ما با رسانه و حواشی مربوط به آن چه می‌شود؟



آمریکا به عراق و افغانستان و به‌وسیله رسانه‌های آن‌خو غرب عملی عادی در جهت دفاع از امنیت جهانی محسوب می‌شود و دیگران هم نباید سخنی خلاف آنچه جماعت آزادپنخواه و به‌اصطلاح لیبرال پرچم‌دارش هستند بیان کنند! وضعیت ناپسامان اقتصادی در کشور و فهم ناقص مسئولان از قدرت نرم رسانه نیز به این اتفاق دامن زده و موجب شده تا کاربران فضای مجازی بدون اینکه در غالب موارد فهمی در مورد نتایج کارهای‌شان داشته باشند عملاً به بیراهه بروند و فرمان ذهن خود را در جهت آنچه غرب معرفی می‌خواهد بچرخانند!



در فضای مجازی در قالب پلتفرم‌هایی که می‌شناسیم نیز با قرار دادن افراد در محیطی که توهم آزادی‌بودن را به آنها می‌دهد ما‌هی خودشان را آزادآگل آورد صید می‌کنند و با آماده کردن شرایط، ناراضیانی مردم را به نفع کارفرمایان غربی‌شان کانالیزه و در نهایت مصادره می‌کنند. امیرمحمد حوریچی، جامعه‌شناس و استاد دانشگاه علامه طباطبایی یکی از عوامل بالا رفتن خشونت در جوامع انسانی را اعمال محدودیت‌ها و کمبودهای اقتصادی می‌داند و بالا رفتن قیمت اجناس و هزینه زندگی در شهر را با این موضوع پیوند می‌دهد. اظهار خشونت در میان مردم چندبعدی‌گسترده است و این مساله تنها به‌روزخشم در نزاع‌های خیابانی و خانوادگی خلاصه نمی‌شود و حتی خشم در فضای مجازی را نیز دربر می‌گیرد. از همین روست که سنگ بنای ذهن جدید در میان کاربران رسانه گذاشته می‌شود و مردم به جان‌هم‌نوع خود می‌اندازد.



بیان را در قالب فیلم مستند «مخالف» به تصویر درآورد اما نتیجه آنگونه که وی می‌خواست نشد و دولت سعودی با ایجاد یک کارزار اینترنتی اوضاع را به نفع خویش تغییر داد. با توجه به بررسی‌هایی که در گذشته صورت گرفت حجم بالای ستاره‌های پایین کاربران به این فیلم در سایت IMDB عجیب به نظر می‌رسید و همین این نکته بود که سعودی‌ها می‌توانند برای فیلم‌هایی که به مذاق‌شان خوش نمی‌آید جنم‌ه‌باشند و حتی تصویر مستندی همچون «مخالف» را در میان استقبال مردم آمریکا از این فیلم تحت‌الشعاع قرار دهند. اما در عصر سوژگی رسانه‌ها چه کاری از دست ما ایرانیان برای به زیر کشیدن ناتوی فرهنگی برمی‌آید؟ جز میدان دادن به میکرو رسانه‌ها و تریبون دادن به افراد عادی برای شکستن هیمنه و قدرت رسانه‌ای غرب و ترویج وسایل ارتباط جمعی کوچک به دست مردم با لحاظ کردن امر ملی و احترام به پرمیال نسخه دیگری نمی‌توان یافت که هم استقلال فکری افراد را تضمین کند و هم با انتقال اطلاعات درست جلوی هرج‌ومرج و خشونت لجام‌گسیخته افراد در شنیدن صدای مخالف را بگیرد.

## تأمین اجتماعی رو چه به نمایشگاه کتاب؟!

نمایشگاه کتاب هم نمایشگاه کتاب‌های قدیم؛ انگار رونقش بیشتر بود و تو روزهایی که نمایشگاه در تهران دایر بود انگار حال و هوای شهر کتابی می‌شد اما چه کنم که من کتابی‌ام و برای من همیشه نمایشگاه کتاب همان رنگ و بوی خاص رو داره.

حتی اگه چند دهه هم از عمرم بگذره اما بازم بوی کاغذ کا‌هی قدیم لابه‌لای کتاب‌هایی که ورق می‌زیم رو فراموش نمی‌کنم.

شاید برای چندمین بار باشه که امسال به نمایشگاه می‌روم اما این بار با یک چالش ذهنی بزرگ.

شاید همه نمایشگاه کتاب‌رو از بُعد فرهنگی تحلیل می‌کنند اما شخصاً معتقدم نباید به سادگی از بُعد اجتماعی این رو یادا مهم گذشت. درباره ابعاد فرهنگی و ادبی نمایشگاه کتاب صحبت‌های زیادی میشه اما اون چیزی که تو همه این سال‌ها مغفول مونده، ابعاد اجتماعی اوننه.

واقعاً کتاب و کتاب‌خوانی چه نقشی تو افزایش سطح اجتماعی آدم‌ها داره.

جامعه کتاب‌خوان با جامعه غریبه با کتابت چه تفاوت‌هایی باهم دارن؟

وقتی باین نگاه‌پا به‌مصلى و نمایشگاه کتاب می‌ذارم کمى دنيا م‌تغيير می‌کنه. نگاهم به نمایشگاه کتاب دیگه مثل همه نمایشگاه‌ها نیست. حالآنچه‌گانی

بودن این نمایشگاه رو بسته به آدم‌هایی که میان و میزن و برای افزایش سطح اجتماعی خود هزینه می‌کنن، بیشتر توجهم رو جلب می‌کنه و به چشمم میاد. اینکه نمایشگاه کتاب ابعاد گوناگونی داره و از پیرو و جوون تا کوردک و خردسال می‌تونن مخاطب اون باشن یک معنای مهم داره و اون اینکه همه اجزای یک جامعه‌حالا زیر سقف شستبان جمع‌شدن تا تزجیرو اجتماعی آینه‌دو و تشکیل بدن؛ تزجیرو‌های که حلقه‌هاش کتاب‌هاییه که قراره این فرهنگ رو نسل به نسل و نفس به نفس منتقل کنه.

نو نمایشگاه امسال تقریباً به همه انتشارات‌ها سر زدم، کتاب‌های جدید و چاپ‌های تازه کتاب‌های قدیم رو هم دیدم و چه جذابه وقتی می‌بینی کتابی رو که به بیش از صد‌ها چاپ رسیده، دروغ چ‌رازه ته دل منی که عاشق فرهنگ کتاب‌خوانی‌ام قند آب می‌شه از زندگی تو جامعه‌ای که چاپ‌های بعضی کتاب‌هاش به یکصد و بیستم و حتی بالاتر رسیده!

وسط این فکاری قشنگ و قند تو دل آب شدن و ذوق کردن، غرغه‌ای توجهم رو جلب می‌کنه، سازمان تأمین اجتماعی!

ایکم‌هام تو هم فرومی‌ره! تأمین اجتماعی رو چه به نمایشگاه کتاب؟!

بم‌خودم رو جمع و جور می‌کنم و عصبانیتم رو مخفی؛ اما از اونجا که از اول‌هم قرار بود امروز با نگاه‌های متفاوت و اجتماعی با به‌نمایشگاه بذارم، تصمیم می‌گیرم جلوتر برم و پاسخ سوالم رو پیدا کنم؛ تأمین اجتماعی رو چه به نمایشگاه کتاب؟! غرغه می‌رسم و سوالم رو بی‌پرده از مسئول غرغه می‌پرسم، می‌فهمه خیرنگارم.